گفتاری اختصاصی از آیت‌الله کعبی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم پیرامون ابعاد شخصیتی مرحوم علامه آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح؛ حکیم مجاهدی که از تیر ملامت هراس نداشت

رهبری در دوران ریاست جمهوری از آیت‌الله مصباح می‌خواهد یک توصیه معنوی از آیت‌الله بهجت برای ایشان بگیرد و آیت‌الله مصباح می‌گویند به شرطی قبول می‌کنم که من بدانم آن توصیه چیست و محرمانه نباشد برای شما و من هم به آن توصیه عمل کنم. آیت‌الله مصباح توصیه را از آیت‌الله بهجت می‌گیرند و به خط خودشان می‌نویسند و به رهبری می‌دهند و آقا در دیداری که می‌آیند خانه آیت‌الله مصباح در قم به آیت‌الله‌مصباح می‌گویند دست خط شما که توصیه آیت‌الله بهجت را نوشته بودید هنوز دارم.

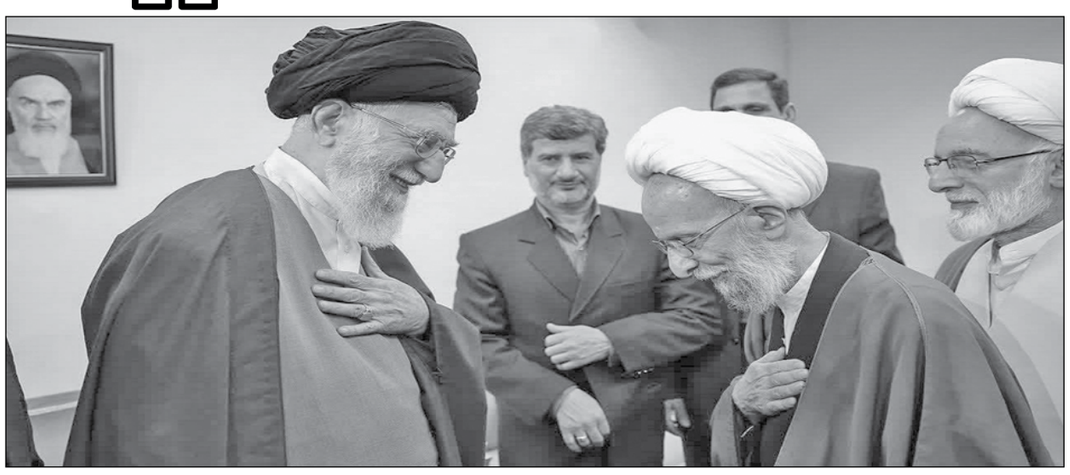

پس از وفات آیت‌الله مصباح یزدی رهبر معظم انقلاب پیام مهمی برای این عالم فرزانه صادر کردند که بیانگر چند مطلب است؛ اولا رهبرانقلاب سوگوار و عزادار رحلت آیت‌الله مصباح است و از ایشان تعبیر می‌کند به برادر قدیمی و عزیز خود. روابط رهبرانقلاب با آیت‌الله مصباح روابط دیرینه‌ای بود. این ارتباط به دوران آغاز مبارزه در دهه ۴۰ بلکه بعد از ۱۵ خرداد برمی‌گردد. این خاطره را مرحوم آیت‌الله مصباح برای من نقل کردند که اولین بار آیت‌الله خامنه‌ای را در درس مرحوم شیخ مرتضی حائری دیدند و با ایشان آشنا شدند. آیت‌الله حائری برای آیت‌الله خامنه‌ای درس خصوصی داشتند. آیت‌الله مصباح می‌گفتند مرحوم آقای حائری این درس خصوصی را به خاطر استعداد و نبوغ و آینده‌ای که در آیت‌الله خامنه‌ای می‌دید برای ایشان گذاشته بود. آیت‌الله مصباح می‌گفتند من در درس آقای حائری بودم و بعدا به درس آیت‌الله بهجت رفتم. ایشان ۱۵ سال یا بیشتر در درس آیت‌الله بهجت حاضر می‌شود و همچنین در درس حضرت امام خمینی و قبل از آن هم در درس آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی شرکت می‌کردند. پس دوستی ایشان با رهبرانقلاب برمی‌گردد به درس آیت‌الله حائری.

آیت‌الله مصباح، آیت‌الله خامنه‌ای را به عنوان فردی خوش استعداد و آینده دار حوزوی می‌شناخت، آیت‌الله خامنه‌ای هم آیت الله مصباح را به عنوان یک اندیشمند و نیروی معنوی دارای سیر و سلوک می‌شناخت. در مبارزات، آیت‌الله مصباح حضور موثر و جدی داشتند و آن مجله «انتقام» را منتشر می‌کردند و مبارزات هم جدی بود تا اینکه یک مدتی اظهار نمی‌کردند و در جلسات شرکت نمی‌کردند.

خود آیت‌الله مصباح به من گفتند که بعد از چند وقت آیت‌الله خامنه‌ای و مرحوم هاشمی آمدند منزل ما. آن کسی که بیشتر بلکه همه‌اش در جلسه صحبت کرد مرحوم آقای هاشمی بود.

به من گفتند که شما اینقدر فعال بودید پس چرا فعالیت شما کم رنگ شده و در جلسات حضور ندارید. من به آقای هاشمی گفتم که ما مبارزاتمان برای اسلام است، برای حاکمیت اسلام است. اگر با کمونیست‌ها متحد بشویم، با مجاهدین خلق (منافقین) متحد بشویم فایده‌ای ندارد و مسیر مبارزات منحرف می‌شود. من از مبارزه فاصله نگرفتم. من هیچگاه از امام و مبارزات امام و حاکمیت اسلام خود را کنار نکشیدم و فاصله نگرفتم بلکه از اتحاد با کمونیست‌ها و منافقین ناراحت بودم و از این قضیه خود را کنار کشیدم.

آیت‌الله مصباح بعدا برای من تعریف کرد در جلسه‌ای بعد از پیروزی انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای را دیدم. خود ایشان فی‌البداهه و بدون اینکه من چیزی به ایشان بگویم به من گفت که در رابطه با آن جلسه‌ای که با آقای هاشمی آمدیم پیش شما و شما آن صحبت‌ها را کردید، حق با شما بود و شما درست می‌گفتید.

برخی می‌گفتند خیلی سیاسی حرف نزنید

خب رابطه آیت‌الله مصباح با رهبری عرض شد، از قبل از انقلاب شروع شده بود بعد از پیروزی انقلاب ادامه داشت و این رابطه بیشتر و مستحکم‌تر شد. رهبری در دوران ریاست‌جمهوری از آیت‌الله مصباح می‌خواهد یک توصیه معنوی از آیت‌الله بهجت برای ایشان بگیرد و آیت‌الله مصباح می‌گویند به شرطی قبول می‌کنم که من بدانم آن توصیه چیست و محرمانه نباشد برای شما و من هم به آن توصیه عمل کنم. آیت‌الله مصباح توصیه را از آیت‌الله بهجت می‌گیرند و به خط خودشان می‌نویسند و به رهبری می‌دهند و آقا در دیداری که می‌آیند خانه آیت‌الله مصباح در قم به آیت‌الله مصباح می‌گویند دست خط شما که توصیه آیت‌الله بهجت را نوشته بودید هنوز دارم. ارتباط ایشان با آقا یک ارتباط معنوی است.

بعد از اینکه آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری می‌رسند آیت‌الله مصباح بارها به من گفتند رهبری فوق‌العاده درخشید. هم با نورانیت و هم با حکمت و مدیریت عالی و هم با تدبیر و نگاه به همه شرایط تصمیم می‌گیرند و ما مثل ایشان نمی‌توانستیم پیدا بکنیم و خیلی باید خدا را شکر کنیم بابت این نعمت بزرگ و با تمام وجود در دفاع از ولایت و رهبری ایستادند.

آیت‌الله مصباح در زمان اصلاحات، قبل از نماز جمعه تهران سخنرانی می‌کردند و روشنگری می‌نمودند. در آن سخنرانی اسلام ناب را تبیین، فتنه و ابعاد فتنه و انحرافات را تبیین می‌کردند و درباره انحرافات جریان مدعی اصلاحات صحبت‌های خیلی مهمی می‌کردند. خیلی‌ها ایشان را ملامت می‌کردند که شما نباید خیلی سیاسی حرف بزنید و برای شما خوب نیست و وجهه علمی شما از بین می‌رود. آیت‌الله مصباح میگفت این حرف‌ها برای من مهم نبود و آنچه برای من مهم بود این بود که نظر رهبری چیست چرا که اگر ایشان مخالفت کنند خلاف شرع می‌شود و من نباید صحبت کنم. تا اینکه یک روز خطبه‌های نماز جمعه را قرار بود شخص رهبر انقلاب بخوانند و آیت‌الله مصباح هم سخنران قبل از خطبه نماز جمعه بودند. آیت‌الله مصباح می‌گوید شفاف‌ترین و صریح‌ترین صحبت‌های ممکن را در محضر رهبر انقلاب بیان کردم. بعد از صحبت‌ها وقتی آمدم پایین آقا چند مرتبه به من گفتند طیب الله انفاسکم. من به آقا عرض کردم که بعضی به من‌اشکال می‌کنند که این صحبت‌های من تند است و من نباید بیایم سخنران قبل از نماز جمعه باشم و این حرف‌ها را بزنم. ایشان می‌گوید

بعد از اینکه آیت‌الله‌خامنه‌ای به رهبری می‌رسند آیت‌الله مصباح بارها به من گفتند رهبری فوق‌العاده درخشید. هم با نورانیت و هم با حکمت و مدیریت عالی و هم با تدبیر و نگاه به همه شرایط تصمیم می‌گیرند و ما مثل ایشان نمی‌توانستیم پیدا بکنیم و خیلی باید خدا را شکر کنیم بابت این نعمت بزرگ و با تمام وجود در دفاع از ولایت و رهبری ایستادند.

آقا ناراحت شده و برآشفتند و فرمودند چه کسی این حرف‌ها را زده؟! صحبت‌های شما مهم است و باید همین روند را ادامه بدهید. آیت‌الله مصباح می‌گوید که من دلم محکم شد که آقا روش من را تایید کردند و همین صحبت‌های ایشان از لحاظ شرعی مهم بود.

ادعایی برای خود نداشت

حضرت آقا در پیام خودشان، مرحوم آیت‌الله مصباح را زبان گویایی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم معرفی می‌کنند. آیت‌الله مصباح حقیقتا مصداق این آیه شریفه وَلَا یَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ بودند و دژ مستحکمی نسبت به حفاظت اسلام و نظام هم در معارف نظری و هم معارف عملی بودند. هم طهارت روح شان، اخلاص شان و سلوک معنوی شان بالا بود که آقا هم به آن‌اشاره کردند. حقیقتا من به واسطه ارتباط نزدیکی با ایشان داشتم آیت‌الله مصباح را مظهر توحید ناب می‌دیدم. واقعا هیچ ادعای شخصی برای خودش نداشت. در نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام خیلی اصرار داشت و جدیت داشت.

در صیانت از نظام اسلامی و ولایت فقیه خیلی حساس بود. یادم هست من مامور بودم بخش ولایت فقیه کتاب فلسفه سیاسی را بنویسم. کار داشتم و نمی‌نوشتم. آیت‌الله مصباح فرموده بودند به فلانی بگویید این کار را تمام کند و فکر کند تصادف کرده یا بیمار شده، همه کارها را تعطیل کند و این کار را تمام کند. من هم دو هفته زمان گذاشتم و این کار را انجام دادم و به ایشان دادم. ایشان از اول تا آخر خواند و تایید کرد و وارد کتاب شد. آیت‌الله مصباح می‌فرمودند بحث ولایت فقیه بحث مهمی است و حتی بعضی خودی‌ها ابعاد ولایت فقیه را درک نمی‌کنند. برای ایشان مهم تبیین گفتمان امام و رهبری و ولایت فقیه بود و دراین راه واقعا استقامت داشت و فداکاری می‌کرد. آیت‌الله بصیرت داشت و شجاعت داشت و عمار گونه از حق دفاع می‌کرد. درباره بدعت‌ها، شبهات و فتنه‌ها روشنگری می‌کرد و ملاحظه هیچ کس را به غیر از عمل به وظیفه خود نمی‌کرد. در واقع می‌توان گفت ایشان حکیم مجاهدی بود که از تیر ملامتگران و طعنه و توهین‌ها هراسی نداشته و به آنچه تکلیف شرعی خود می‌دانست عمل می‌کرد.

مرحوم علامه مصباح با اینکه بسیار روح لطیف و نرم و توام با محبت و شفقت و مهربانی با مومنین داشت در عین حال با دشمنان نظام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و جریان نفاق و فتنه قاطع و با صلابت بود و حقیقتا الگوی شایسته در حوزه علم و عمل برای طلاب و حوزه‌های علمیه است.

فقدان ایشان، خسارت بزرگ برای حوزه

همچنان‌که حضرت آقا بیان کردند عدم وجود شریف و مبارک آیت‌الله مصباح خسارت بزرگی برای حوزه علمیه است. ثلمه‌ای لا یسدها شیء است و واقعا خسارت است. چون ایشان مبدع و مبتکر بود در معارف اسلامی هم در باورها هم در ارزش‌ها، در طراحی‌های نوین برای تحکیم معارف اسلامی برای جوان‌ها تلاش شایانی کرد. در مورد این طرح ولایت خیلی ایشان پافشاری داشت.

و ایشان تا اواخر عمر شریف‌شان که خدمت‌شان می‌رسیدیم معمولا سر هر مطلبی یک گریزی به طرح ولایت داشت و می‌فرمود این طرح ولایت را جدی بگیرید و این طرح ولایت تحکیم مبانی اسلامی در میان نخبگان است.

من یادم هست در دوره‌های اول طرح ولایت در جمع اساتید طرح ولایت فرمودند من اگر در روز قیامت به یک چیزی بنازم و افتخار کنم که ذخیره عمل صالح من باشد همین طرح ولایت است و هیچ کاری را مفیدتر از این نمی‌بینم. من به ذهنم رسید که ایشان چون می‌خواهد ما را تشویق کند این حرف را زده است. بعدا بعد از حدود سی هزار نفر که این طرح ولایت برگزار شد از جمله برای اساتید دانشگاه‌ها، دانشجویان، طلاب و اقشار مختلف بیشتر فهمیدم چقدرطرح ولایت مهم است و طرح ولایت جریان ساز است و ایشان تا اواخر عمر شریفشان که خدمت شان می‌رسیدیم معمولا سر هر مطلبی یک‌گریزی به طرح ولایت داشت و می‌فرمود این طرح ولایت را جدی بگیرید و این طرح ولایت تحکیم مبانی اسلامی در میان نخبگان است. نوآوری و ابداع‌هایی که ایشان در فلسفه، تفسیر داشت حتی در فقه و اصول ایشان قوی بودند. این قضیه را با اطلاع عرض می‌کنم. بنده ۴ سال مباحث خارج کتاب قضا و شهادات را که درس می‌گفتم در فیضیه هفته‌ای یک جلسه با آیت‌الله مصباح در این زمینه بحث و گفت‌وگو داشتیم و نقطه نظرات بسیار مهمی در فقه و اصول بیان می‌کردند. واقعا هم

آیت‌الله مصباح می‌گفت این حرف‌ها برای من مهم نبود و آنچه برای من مهم بود این بود که نظر رهبری چیست چرا که اگر ایشان مخالفت کنند خلاف شرع می‌شود و من نباید صحبت کنم.

در فقه هم در اصول دارای یک منظومه منسجم فکری است که در واقع معقول و منقول را با هم ترکیب می‌کرد و نسبت به مسائل تعبدی فقه هم کاملا متعبد بود و واقعا فقیه متبحر بود. آقا فرمودند عالم ربانی، فقیه و حکیم مجاهد و واقعا این فقاهت ایشان مظلوم واقع شده است و کمتر به آن پرداخته شده است. من در بحث قضا، فقاهت ایشان را از نزدیک دیدم. ایشان می‌فرمود کتاب قضای ملاعلی کنی را با مرحوم آیت‌الله یزدی و مرحوم آیت‌الله محمدی گیلانی، آیت‌الله مظاهری و سید یزدی که در دفتر امام و رهبری هستند با هم مباحثه می‌کردند و این کتاب یکی از کتاب‌های مهم قضا است.

مرد میدان‌های ضروری

مرحوم آیت‌الله مصباح در همه میدان‌هایی که احساس می‌شد نیاز به حضور ایشان است حقا و انصافا وارد می‌شد. نمی‌گفت این خلاف شان من است. سخنرانی ساده هم از او می‌خواستند انجام می‌داد. این کتاب آذرخشی از آسمان کربلا کتاب بی‌نظیری است که حضرت آقا در تمجید این کتاب فرموده بودند غیر از شما با این خصوصیات و بیان رسا و با این منطق و استدلال کسی نمی‌توانست این مباحث را مطرح کند. آیت‌الله مصباح یک سالک واقعی الی الله بود و به نظر من یک آیت‌الله بهجت دیگر بود. شخصیت جامع آیت‌الله مصباح، سلوک معنوی، مدیریت برجسته علمی و انقلابی، سخنوری و ابتکارات فیلسوفانه و فقیهانه توأم با واقع نگری نسبت مسائل انقلاب و بصیرت در شناخت نفاق و التقاط و فتنه گران و صلابت و شدت در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی و دنباله‌روهای آنها و همراهی با جبهه مقاومت را در شخصیت خودش جمع کرده بود و ضمن اینکه یک شخصیت بی‌ادعایی بود. اما نسبت به فرزندان و خانواده ایشان باید گفت واقعا خوب تربیت شدند. هم از لحاظ علمی خیلی فاضل هستند هم از لحاظ اخلاقی خیلی متخلقند لذا رهبر انقلاب از اینها به فرزندان صالح تعبیر کرده است.

ایستاده در برابر فتنه و تحریف

یدالله جوانی

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی که عمر با برکتش را در راه ترویج مکتب اهل بیت(ع) و اسلام سیاسی و آرمان‌های انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران سپری کرد، به دیار باقی شتافت و دوستداران و جامعه اسلامی و انقلابی را با رفتنش که‌گریزناپذیر است، در غم و اندوه فرو برد.

این عالم متقی و پرهیزکار، این فیلسوف گرانقدر و متفکر ارزشمند صاحب سبک، به معنای دقیق کلمه از ارادتمندان مخلص و یاران صدیق حضرت امام خمینی(قدس‌الله نفسه الزکیه) و حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) بود.

این عالم مبارز خستگی‌ناپذیر، بصیرتی نافذ و بیانی صریح در دفاع از اسلام ناب محمدی(ص) و افشای توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و نظام ولایی داشت. او به درستی فتنه‌ها، انحراف‌ها، التقاط‌ها و تحریف‌های زمان خود را به‌هنگام می‌شناخت و براساس تکلیف شرعی، با بهره‌گیری از توان بالای علمی، به صورت مستدل و منطقی، با فتنه‌گران و منحرفان و گروه‌های دارای افکار التقاطی مبارزه می‌کرد.

خطابه‌ها، بیانات، مناظره‌ها و آثار قلمی فراوان برجای مانده از این عالم انقلابی ولایتمدار، همگی یک واقعیت را آشکار می‌کند که او، «مرد میدان دفاع عالمانه از مبانی، اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی» بود.

بصیرت، زمان‌شناسی، مبارزه منطقی و بهنگام با مکاتب وارداتی غربی و شرقی، شناسایی و رویارویی عالمانه و صادقانه با جریان‌های انحرافی و صاحبان تفکرهای التقاطی، علامه مصباح‌یزدی را از دیگران به صورت جدی متمایز کرده بود. او از این نظر، وجوه مشترک فراوان با شهید استاد مطهری(رضوان‌الله تعالی علیه) داشت.

براساس همین‌اشتراکات و وجوه مشابه بین ایشان و شهید مطهری، رهبر معظم انقلاب در وصفش فرمودند:

«امروز بحمدالله نظام اسلامی ما مفتخر است که شخصیت‌های برجسته علمی و معنوی در آن حضور دارند؛ مثل همین شخصیت عزیز و عظیم، جناب آقای مصباح. من ایشان را نزدیک به چهل سال است که می‌شناسم و به ایشان ارادت قلبی دارم؛ فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب نظر در مسائل اساسی اسلام. اگر خدای متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مثل مرحوم علامه طباطبایی یا مرحوم شهید مطهری استفاده کند، بحمدالله این شخصیت عزیز و عظیم، خلأ آن عزیزان را در زمان ما پر می‌کنند.»

مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی در دوران عمر با برکت جمهوری اسلامی، همواره نسبت به تحولات و رویدادهای سیاسی کشور، دارای مواضع شفاف، صریح و تأثیرگذار بود. با پدیدآیی جریان اصلاحات وآغاز یک دوره جدید از التقاط، تحریف و انحراف در مسیر انقلاب اسلامی، او با حضور در چندین نماز جمعه تهران به عنوان سخنران قبل از خطبه‌ها، با بیانی صریح مبانی نظام ولایی را بر اساس آیات الهی، احادیث و عقل و منطق تبیین کرد و نسبت به بروز و ظهور اندیشه‌ها و جریان‌های التقاطی که به دنبال سکولاریزه کردن کشور و حکومت بودند، هشدار داد.

رویکرد روشنگری و بصیرت‌افزایی وی سبب شد تا علامه مصباح آماج هجمه‌های سنگین قرار گیرد. در دوران فتنه سال ۱۳۸۸، او از مردان اصلی میدان مبارزه با فتنه بزرگ آمریکایی- صهیونیستی بود. به صورت خستگی‌ناپذیر با سفر به استان‌های مختلف و در دیدارهای مختلف با اقشار گوناگون، و به ویژه جوانان و دانشجویان، به تبیین حقایق می‌پرداخت.

آیت‌الله مصباح اهداف راهبردی فتنه‌گران را به درستی تشخیص داد و روشنگری کرد. ایشان در یکی از جلسات، از فتنه ۸۸ به عنوان یک «فتنه شیطانی» یاد کرده و هدف فتنه‌گران را این چنین شرح می‌دهد:

«ما در این زمان مواجه هستیم با یک فتنه عظیم شیطانی، برای اینکه ما را از رهبری الهی و آن حقی که خدا برای رهبری دینی بر مردم قرار داده است؛ جدا کنند... آنچه روح انقلاب اسلامی، آنچه مشخصه این حکومت است و در همه عالم، این حکومت به نام حکومت ولایت فقیه شناخته می‌شود، می‌خواستند این را بگیرند؛ اگر بشود آن را حذف کنند، اگر نه، لااقل با تغییر قانون اساسی و این حرف‌ها، ولایت فقیه را تضعیف کنند، کم رنگ بشود، ولایت فقیه نقشی نداشته باشد، مسئله این بود.»

این نقشه روشنگرانه علامه مصباح تا آخرین لحظات عمر پربرکت ادامه داشت. وقتی جریان انحراف در دولت دهم پدید آمد، ایشان بدون ملاحظات قبلی، با این تفکر انحرافی نیز مبارزه کرد. برای ایشان، حق و اسلام و ولایت شاخص اصلی در حرکت و پیشبرد امور بود. آیت‌الله مصباح به گونه‌ای در راه تحقق حاکمیت دینی و گسترش معارف اسلامی و ساخت جامعه اسلامی مجاهدت کرد که رهبر معظم انقلاب در پیام‌شان به مناسبت رحلت این عالم ربانی، او را چنین توصیف کردند:

«ایشان متفکری برجسته، مدیری شایسته، دارای زبانی گویایی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم بودند.» بر همین اساس می‌توان او را ایستاده و ثابت قدم در برابر فتنه‌ها و تحریف‌ها دانست. روحش قرین رحمت واسعه الهی باد.

موضع دولت بایدن درباره برجام و تحقق پیش بینی سردار سلیمانی

صدرا دامغانی

در حالی که دولت ترامپ آخرین روزهای خود را سپری می‌کند تا جای خود را به دولت جو بایدن بدهد، موضوع چگونگی برخورد بایدن با برجام همچنان مورد توجه محافل سیاسی است. یک جریان خاص سیاسی در کشور به دلایل و با انگیزه‌های مشخصی سعی دارد این‌گونه وانمود کند که دولت بایدن متفاوت از دولت ترامپ بوده و قصد بازگشت به برجام را دارد و تهران باید این موضوع را غنیمت شمرده به مثابه یک فرصت به نگاه و با آن برخورد کند.

مصاحبه اخیر جیک سالیوان با سی‌ان‌ان نشانه دیگری از پوچی این خوش خیالی و توهم است. مشاور امنیت ملی بایدن، در مصاحبه با فرید زکریا به صراحت می‌گوید شرط بازگشت دولت بایدن به برجام آن است که باید مسئله موشکی ایران نیز مورد مذاکره قرار گرفته و محدود شود. او در ادامه می‌افزاید، لزومی ندارد مذاکرات در قالب پیشین یعنی ۱+۵ دنبال شود و می‌توان کشورهای منطقه را نیز به آن افزود. سالیوان ایران را به ناامن کردن منطقه متهم کرده و می‌گوید این مسئله نیز در مذاکره باید مورد توجه قرار گیرد.

مصاحبه مشاور امنیت ملی بایدن با سی‌ان‌ان جدیدترین نشانه از راهبرد و سیاست دولت آینده آمریکا در قبال ایران است. در حالی که از نظر آنها برجام هسته‌ای پایان یافته و باید به‌دنبال برجام‌های جدید موشکی و منطقه‌ای بود، برخی سعی دارند چشم خود را به روی این واقعیت بسته و حداقل به مردم آدرس‌های دیگری بدهند.

هفته پایانی آذرماه، آقای روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در نشست خبری که با حضور شماری از خبرنگاران برگزار شد، در پاسخ به سؤال شبکه تلویزیونی ان‌بی‌سی آمریکا که پرسید: «آقای جو بایدن اعلام کرده‌اند که مایل هستند مجدداً به برجام بازگردند، اما این‌بار به‌دنبال یک توافقنامه قدرتمندتر هستند که شامل برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران خواهد بود و در این راستا کشورهایی مثل آلمان، فرانسه، بریتانیا با آن همصدا هستند. با توجه به الحاقاتی که مدنظر آقای بایدن است، به نظر شما، بازگشت کامل به تعهدات از طرف همه طرف‌ها، منطقی و واقع‌بینانه به نظر می‌رسد؟» گفت: آن تعبیری را که شما از آقای بایدن نقل کردید من نشنیدم که بگوید که اگر بخواهم برگردم، باید یک توافق دیگر و قوی‌تری داشته باشیم، این حرف ترامپ است و حرف بایدن نیست. ترامپ همین را می‌گفت، می‌گفت: «این توافق را قبول نداریم و باید برگردیم به یک توافق قوی‌تر.»

مصاحبه اخیر سالیوان با سی‌ان‌ان به روشنی گویای این نکته است که دولت ترامپ و بایدن تفاوتی راهبردی با یکدیگر نداشته و صرفاً در زمینه نحوه رسیدن به هدف - که چیزی جز گسترش دامنه برجام به موشکی و منطقه‌ای است- اختلاف‌نظر دارند.

البته بایدن پیش از این نیز به صراحت در این زمینه موضع خود را اعلام کرده بود اما گویا برخی از فرط ذوق‌زدگی دوست دارند این مواضع را نشنیده یا خود را به نشنیدن بزنند! برای نمونه بایدن در یادداشتی که شهریورماه سال جاری در سی‌ان‌ان نوشت، به صراحت گفت، باید تحریم‌های هوشمندانه را علیه ایران پیش گرفت و «اگر ایران به تعهدات دقیق توافق هسته‌ای بازگشت، آمریکا نیز به توافق به‌عنوان نقطه شروعی برای دنبال کردن مذاکرات بعدی بازخواهد گشت. ما با متحدانمان برای تقویت و گسترش مفاد توافق هسته‌ای کار خواهیم کرد و همزمان به دیگر نگرانی‌ها نیز توجه خواهیم کرد.»

چندی بعد جو بایدن در مصاحبه‌ای با توماس فریدمن، ستون‌نویس روزنامه نیویورک‌تایمز با اشاره به همگرایی آمریکا با متحدانش گفت: «ما با مشورت متحدان و شرکایمان، وارد مذاکرات و توافقات متعاقبی برای محکم‌تر و طولانی‌تر کردن محدودیت‌های هسته‌ای ایران و پرداختن به برنامه موشکی این کشور خواهیم شد.»

خداوند بر درجات شهید سلیمانی بیفزاید. مردی که عمق راهبرد دشمن را به خوبی می‌دید. سردار سلیمانی در کنگره شهدای کرمان درباره اهداف دشمن از گسترش برجام گفته بود: «برای دشمن این برجام سه ضلعی است نه یک ضلعی، اما اوباما فکر می‌کرد به مرور زمان به دو اضلاع دیگر می‌رسد، اما آدم عجولی که آمده اصرار دارد به سرعت برسد و تصورش این بود که می‌رسد. اینکه اصرار می‌کنند بر برجام دو در منطقه برای این است که قدرت اصیل و نابی که در مقابل اسلام وهابی یهودی شکل گرفته است را بخشکانند و جریان‌های اسلامی در برجام دو خشکانده شود؛ البته تلاش آنها به اینجا منتهی نخواهد شد و برجام سه هم خواهند داشت، چون دشمنان معتقدند که چشمه باید خشکانده شود و این چشمه ایران است.»

در واقع موضع اخیر سالیوان مهر تایید دیگری بر پیش‌بینی و تحلیل سردار سلیمانی درباره نوع نگاه آمریکایی‌ها به برجام است. هیچ بعید نیست جریان تحریف سعی کند از این سردار دل‌ها و فاتح قلب‌ها، چهره‌ای حامی‌برجام‌ترسیم کند. همان‌طور که مدعی شدند شهید فخری‌زاده عضو تیم برجام بوده بوده و البته بعد مشخص شد که ایشان به‌شدت منتقد و مخالف این توافق بوده است.

دولت مقتدر، راه‌حل دو اَبَرچالش ایران

سعید عبدالملکی

مثلث تحریم، دولت ناکارآمد و کرونا؛ مسائل و موضوعات کشور ما را وارد مرحله‌ای جدید و چالشی کرده است. این چالش‌ها را می‌توان به دو اَبَرچالش ۱. اقتصادی و ۲. اجتماعی، تقسیم‌بندی کرد و سایر چالش‌های ریزودرشت را در ذیل این دو ملاحظه نمود. این دو، رابطه علّی و معلولی با یکدیگر دارند و هر کدام می‌تواند در پیدایش، گسترش و حتی مداوای دیگری مؤثر باشد و نمی‌توان جدای از هم در نظر گرفت.

۱- اقتصادی: واقعیت این است که دولت تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد برجام گذاشت، ترامپ به سبد برجام لگد زد، سبد از دست دولت بر زمین افتاد و همه تخم‌مرغ‌ها شکستند. منطقی این بود که بعد از شکسته شدن تخم‌مرغ‌ها، دولت سریعاً برنامه‌ای جایگزین برای اداره کشور مثل تولید داخلی و استفاده از ظرفیت‌های نخبگانی را رو می‌کرد اما سیاست‌زدگی و لجبازی مانع این کار شد. اتخاذ چنین رویکرد ناشیانه‌ای یک اشتباه استراتژیک بود و اثرات مخرب آن تا سال‌ها بر پیکره کشور سنگینی خواهد کرد. بنابراین؛ دولت دوازدهم یک زمین شخم‌زده را تحویل دولت سیزدهم می‌دهد زمینی که باید زحمات طاقت‌فرسایی روی آن صورت بگیرد تا دوباره به مرحله کاشت، داشت و برداشت برسد. متأسفانه؛ اکثر شاخص‌های توسعه و رشد اقتصادی منفی شده‌اند و عملاً به دو دهه قبل بازگشت کرده‌ایم. با این وصف؛ کار رئیس‌جمهور سیزدهم چیزی شبیه کاشت درخت گردو است کاری که هم سخت و هم زمان‌بر است و تا به بار بنشیند ممکن است یک دهه یا بیشتر طول بکشد.

بسته‌ای از بحران‌های اقتصادی شامل تورم، بیکاری، کم‌ارزش شدن پول ملی، فروش نفت، سوء مدیریت، رشد منفی اقتصادی، رشد منفی تولید ناخالص داخلی، بحران معیشت، تحریم‌ها، فساد اداری و مالی، عدم وصول مالیات پردرآمدها، بالا رفتن شاخص فلاکت در نقاط محروم، بیمه و امثال آن به‌صورت پیدا و پنهان رخ‌نمایی می‌کند اما واقعیت آن فراتر از تصور است و در پساکرونا که اوضاع عادی شود بیشتر آشکار می‌شود.

مهم‌ترین چالش اقتصادی؛ بازار است. بازار دچار خودمختاری کنشی است و هرطور دوست دارد رفتار می‌کند علت آن‌هم اجرای سیاست‌های نئولیبرالی توسط دولت بوده است که کاهش تصدی‌گری و نظارت دولت را به‌دنبال داشته است. سپردن بازار به دست سرمایه‌داران باعث شده است هم تولیدکنندگان، هم واسطه‌ها و هم خرده‌فروش‌ها بر اساس جاه‌طلبی خود عمل کنند به‌گونه‌ای که شاهد هرج‌ومرج در نرخ‌گذاری هستیم و قیمت‌ها از این مغازه تا آن مغازه و خیابان به خیابان متفاوت است و فشار کمرشکن به اقشار مصرف‌کننده وارد می‌شود.

سیاست نئولیبرالی دولت عملاً دیکتاتوری طبقه ثروتمند و بهره‌کشی از طبقات محروم و مستضعف جامعه را به دنبال داشته است.

۲- اجتماعی: دومین اَبَرچالش ایران آسیب‌های اجتماعی است. متأسفانه مناسبات و مسائل اجتماعی ما تبدیل به آسیب‌های اجتماعی شده‌اند و اکنون در دوران کرونا با چهره پنهان آسیب‌ها مواجه هستیم. مصادیق چالش‌های اجتماعی ایران عبارت‌اند از: بی‌تفاوتی اجتماعی، درماندگی و ناامیدی اجتماعی، دوقطبی شدن جامعه، پیر شدن جمعیت کشور، مصرف فزاینده مواد مخدر، تغییر الگوی خانواده و ترویج ازدواج سفید، حاشیه‌نشینی شهری، هجوم سبک زندگی غربی که نسل جدید را با بحران هویت مواجه کرده است، مصرف‌زدگی، فقدان آموزش سواد رسانه‌ای، آموزش مجازی، مسائل زنان، فقدان عدالت اجتماعی، رهاشدگی نسل جوان، تورم و گرانی، بیکاری، منفعت‌گرایی، فقدان مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی، اختلالات روانی و امثال آن.

علی‌رغم آنکه در اسناد بالادستی مثل برنامه ششم توسعه و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ تأکید فراوانی بر پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی شده است و از طرفی حدود ۲۰ تا ۲۵ وزارتخانه، سازمان و نهاد در این‌باره سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری می‌کنند اما آمارها نگران‌کننده است. اعتیاد، خودکشی، فقر، بیکاری، طلاق، بی‌تفاوتی اجتماعی، اختلالات روانی، و آسیب‌های فضای مجازی رو به گسترش است.

شیوع ویروس کرونا مسائل اجتماعی را وارد فاز جدیدی کرده است به‌گونه‌ای که مناسبات و رفتارهای اجتماعی تبدیل به آسیب‌های اجتماعی شده‌اند. خسارت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بی‌شماری که کرونا ایجاد کرده است فعلاً غیرقابل برآورد دقیق است. اکنون به‌دلیل تعطیلی مراکز علمی و دانشگاهی متأسفانه دچار نوعی خلأ پژوهشی در این‌باره هستیم و آمار دقیقی از آسیب‌ها در دست نیست و واقعاً معلوم نیست میزان آسیب‌ها نسبت به قبل از کرونا چه مقدار افزایش پیداکرده است. به همین دلیل آسیب‌های اجتماعی به‌سان کوه یخ تا نُه‌دهم آن زیرآب و خارج از دید است و این می‌تواند خطای ارزیابی و محاسباتی برای نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر ایجاد کند و در سال‌های آتی با سونامی آسیب‌ها غافل‌گیر شویم.

ازاین‌رو؛ بیکاری، فقر و فلاکت، بحران خانواده، افزایش اختلالات روانی همچون اضطراب و افسردگی همچنین؛ بحران هویت و بلوغ جنسی زودرس ناشی از تأثیرات فضای مجازی به‌ویژه اینستاگرام که ذهن و روان نوجوانان و جوانان ما را به تسخیر خود درآورده است پتانسیل تبدیل به اَبَرچالش و اَبَربحران جامعه را دارند.

راه‌کارها: گرچه آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی امری جهانی است و به‌خصوص پاندمی کرونا موجب تشدید آن شده است و اکنون تمام جوامع بشری به‌نوعی فقر، بیکاری، خودکشی و امثال آن را تجربه می‌کنند، اما تفاوت در سیاست‌گذاری‌ها و اجرای آن است. در کشور ما متأسفانه با ازدحام سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر مواجهیم همین امر موجب موازی‌کاری و پخش مسئولیت شده است و در نهایت معلوم نیست چه کسی باید پاسخگو باشد. بنابراین؛ ضروری است مسائل و مشکلات کشور را با نگاهی جدید و ملاحظه تکانه‌های آسیب‌زای کرونا بررسی و ارزیابی نمود و راهکارها و فرمول‌های مقتضی برای آن ارائه کرد.

در زمینه تحریم‌ها می‌توان مدل رهبری درخصوص خنثی‌سازی را پیگیری و اجرا نمود که همانا قوی شدن در ابعاد مختلف است که این امر خود نیازمند کار انقلابی و جهادی است. با انتخاب رئیس‌جمهور جوان و کاریزماتیک و به‌تبع آن استفاده از ظرفیت‌های جوانان نخبه انقلابی و حزب‌اللهی می‌توان مشکل ناکارآمدی را حل کرد اگر چه بخش زیادی از ناکارآمدی به‌دلیل سوءمدیریت است که در این زمینه می‌توان افرادی را برای فرصت مطالعاتی جهت آموزش مدیریت و سیاست‌گذاری، به خارج از کشور اعزام کرد تا فنون مدیریت اقتصادی و اداری و مالی را بیاموزند.

در نهایت اینکه؛ راه چاره این روان‌آش